



✽ قدرت طاهری ✽✽ محمد رضا انصاری ✽✽ مامک ضیائی

امروزه دستیابی به توسعه و رفاه یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران در جوامع توسعه نیافته است. برای نائل شدن به این مهم، موانع متعددی وجود دارد که باید برطرف گردد. بسیاری از کشورهای جهان نیز سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش عالی و برنامه‌های توسعه ملی و ارتقای دانش و فناوری دارند. از این رو، سیاست‌های توسعه ملی به آموزش خصوصاً آموزش عالی ارتباط دارد. یکی از نقش‌های مهم در این زمینه، تأثیر آموزش عالی بر توسعه اقتصادی است. برخی از محققان معتقدند هر نوع آموزشی که فرد می‌بیند در وی ظرفیت و قابلیت ایجاد می‌کند که می‌تواند درآمد بیشتری را در آینده به وجود آورد.

فناوری مبتنی است. تحقق این امر نیازمند فرآیند کلان و گسترده‌ای شامل سیاست‌گذاری، تعیین راهبردها، برنامه‌ریزی منظم و دقیق و اجرای علمی، کامل و مؤثر این فرآیند است.

در این میان، شناخت دقیق نقاط قوت و ضعف و چالش‌های پیش‌رو، داشتن تصویری روشن از وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بخصوص وضعیت علم و فناوری در سطح ملی و منطقه‌ای (استانی)، امری اجتناب‌ناپذیر است.

برای آن که کشوری بتواند در آینده در نظام جهانی نقش ایفا کند باید در زمینه‌های علم و فن‌آوری توسعه‌یافته باشد. برای دستیابی به این مهم هر کشوری باید شناخت کاملی از موقعیت خویش داشته و در این راستا با طراحی برنامه‌های توسعه علمی و تعیین اهداف مورد نظر، هر کشوری با توجه به مزیت‌های نسبی که دارد، جایگاه خود را در بین کشورهای دنیا تعیین کند.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان با تعیین

که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علمی نیز در هر بخش شامل مراحل زیر می‌شود. تحلیل وضع موجود، جمع‌آوری اطلاعات مربوطه، تعیین وضع مطلوب بر اساس اهداف مدنظر، برنامه‌ریزی برای بهبود وضع موجود، اجرای برنامه‌ها و ارزیابی نتایج آن‌ها. ارائه آمارهای صحیح، دقیق و بهنگام و معرفی شاخص‌های مناسب در این حوزه ابزارهای مفیدی در جهت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در بخش آمایش آموزش عالی فراهم می‌کنند. در این مقاله سعی بر ارائه شاخص‌ها و آمارهای مورد نیاز، تحلیل و توصیف آن‌ها در جهت تشخیص دقیق نیازها و توزیع مناسب دانشجویان و دیگر امکانات آموزشی برای دستیابی به اهداف فوق شده است.

۱ مقدمه

پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص توسعه که تجربه جوامع مختلف نیز آن را تأیید می‌کند، نشان می‌دهد توسعه متوازن و پایدار در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، بر توسعه علم و

امروزه نقش عامل انسانی در توسعه مورد توجه قرار گرفته و این موضوع که مردم هم وسیله و هم هدف توسعه هستند پذیرش عام یافته است. در گذشته وقتی از سرمایه سخن به میان می‌آمد عمدتاً سرمایه‌های فیزیکی مورد توجه قرار می‌گرفت. ولی تجارب چند دهه اخیر به وضوح نشان داده که سرمایه انسانی علت تفاوت میان کشورها است. تداوم شرایط توسعه‌نیافتگی در کنار سرمایه‌های فیزیکی و مالی قابل توجه در برخی از کشورها این تجربه را ثابت کرده که بدون وجود سرمایه‌های انسانی مناسب نمی‌توان به توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست یافت. لذا بر پایه چنین تفکری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر دنیا توسعه یافته‌اند.

با توجه به این موضوع، برنامه‌ریزان سیاست‌گذاری‌های خود را در جهت افزایش بهره‌وری در بخش آموزش عالی با مطرح کردن موضوع آمایش آموزش عالی قرار داده‌اند. از آنجایی

شاخص‌ها و معیارهای مناسب، به بررسی علم و فن‌آوری در کشور پرداخت، از طرفی استان‌های کشور که از مزیت‌های نسبی متفاوتی برخوردارند و سرمایه‌گذاری‌های انجام گرفته در زمینه‌های آموزش عالی بصورت متعادل انجام نگرفته است، بنابراین برخورداری استان‌ها از شاخص‌ها و معیارهای علم و فن‌آوری، متوازن نبوده و برخی استان‌ها از این نظر باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند، به‌طوری که سرانه سرمایه‌گذاری در این زمینه نسبت به استان‌های برخوردار بیشتر باشد تا در یک برنامه بلندمدت برخورداری استان‌ها از شاخص‌های علم و فن‌آوری و آموزش عالی تقریباً متعادل شود. آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم مطالعه آمایش آموزش عالی در استان‌های کشور است، تا بتوان برخی نارسایی‌ها را تشخیص داد و در صورت لزوم عدم تعادل‌ها در ارائه فرصت‌های آموزشی را نشان داد.

آمایش آموزش عالی نیز به عنوان زیر مجموعه بحث کلان آمایش سرزمین است و بر اساس برنامه‌ریزی‌های بلندمدت توسعه با تاکید بر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های موجود تنظیم می‌شود.

بنابراین، آمایش آموزش عالی، عبارت است از مطالعه و بررسی دقیق مؤلفه‌ها و منابعی است که آموزش عالی به آن متکی است هدف از این موضوع، ایجاد توازن و تعادل در توسعه آموزش عالی با بهره‌گیری از امکانات و قابلیت‌های گوناگون مناطق (استان‌ها) و برپایه اطلاعات واقعی از وضع موجود شامل امکانات بالقوه و بالفعل منابع انسانی است. پایبندی به طرح آمایش آموزش عالی در تدوین برنامه‌های توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی همواره مورد تأکید برنامه‌ریزان این حوزه بوده و برنامه‌ای در خور توجه برای ارتقاء آموزش عالی کشور محسوب می‌گردد. ضرورت پیاده‌سازی طرح آمایش آموزش عالی در تدوین برنامه‌های توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در راستای هدفمندسازی آموزش عالی و استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری‌ها و امکانات موجود، رشد متوازن و متناسب مناطق مختلف کشور و منجر به کاهش جریان مهاجرت به مراکز استان‌های برخوردار (توسعه‌یافته) خواهد شد.

برای دستیابی به این موضوع، در ابتدا بایستی به شناخت مناسبی از وضع فعلی آموزش عالی در

فرهنگی و جغرافیایی آن را به صورت تجربی نمی‌توان در نظر گرفت. آمایش سرزمین رویکردی است معطوف به اراده که به تعریف مفاهیم عملیاتی و گرایش‌های عمده برای تحقق سازماندهی یا سازماندهی مجدد سرزمین، تأمین معاضدت ملی همه مناطق در مسایل توسعه و یکپارچگی فضایی و تعادل مناطق، تغییر جهت بخش‌ها، نوسازی مناطق و ... می‌پردازد و حتی در سطح مناطق نیز تعیین گرایش‌ها و رسالت‌های واقعی مناطق را مورد توجه قرار می‌دهد. توجه به این نکته ضروری است که در آمایش سرزمین منافع مجموعه ملت مد نظر قرار دارد. در واقع آمایش سرزمین سیاستی تصحیحی برای سامان‌یابی توسعه بخش‌ها نیست بلکه هدف آن توسعه فضایی یکپارچه و معطوف به آینده است و گرچه مقوله‌ای مستقل نیست اما دارای این ویژگی است که عملی بلندمدت را می‌طلبد که نتایج آن ملموس، پایدار، تثبیت شده در سرزمین و تعهدآور برای آیندگان باشد.

جایگاه منابع انسانی در آمایش سرزمین

نقش سرمایه انسانی برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واقعیتهای انکارناپذیر و به همین جهت در برنامه‌های مختلف توسعه کشور، امر گسترش آموزش عالی به منظور برطرف کردن نیازمندی‌های کشور به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است اما با توجه به عدم مطالعه بر روی قابلیت‌های کشور و نیازسنجی دقیق، میان عرضه نیروی انسانی تحصیل کرده در رشته‌های گوناگون با تقاضای مربوط به آنها شکاف قابل توجهی به وجود آمده و موضوع بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی را سبب گردیده است.

مقدم بر آمایش سرزمین، سازماندهی دوباره یا آمایش جامعه است. جامعه‌ای که به طور اصولی سازمان یابد، سازماندهی فضایی مطلوب را هم به دنبال خود خواهد آورد. چون محصول یک جامعه اصولی و با اراده و هدفمند خود به خود فضایی سازمان‌یافته‌تر هم خواهد بود و نمی‌شود دست به ترکیب جامعه نزد ولی همه هم و غم را روی سازماندهی فضا گذاشت. همان مفاهیمی که از طرح پایه آمایش تا مرحله تفصیلی آن بکار گرفته می‌شود، برای مباحث جدید سازماندهی اجتماعی نیز مطرح می‌گردد. همچنین باید دید که در سطح کلان کدام موضوعات و در سطح تفصیلی کدام

کشور برسیم. که این امر جز بوسیله جمع‌آوری آمار و اطلاعات دقیق و بهنگام از وضعیت آموزش عالی میسر نمی‌گردد. پس از آن با تحلیل وضع موجود و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شرایط فعلی و مشکلات منتج از آن‌ها، وضع مطلوبی ترسیم و برای رسیدن به آن، برنامه‌ریزی می‌کنیم و در نهایت اجرای این برنامه‌ها را به طور مستمر ارزیابی می‌کنیم. به طور مثال از مؤلفه‌های اصلی شناسایی وضعیت فعلی آمایش آموزش عالی شناسایی رشته‌های مورد نیاز فعلی و آینده جامعه است که بنا به وضعیت جامعه و نیازهای روز، به مرور زمان نیاز به متخصصین در حوزه‌های جدیدی احساس می‌شود. همچنین مؤلفه جنسیت نیز بایستی در جذب دانشجو در دانشگاه‌ها لحاظ شود. چه بسا به دلیل لحاظ نشدن این مؤلفه در سنوات گذشته در تعدادی از استان‌ها، نرخ بیکاری زنان تحصیلکرده در برخی رشته‌ها مانند مهندسی کشاورزی و دامپزشکی بالا خواهد بود. لازم به ذکر است در استان‌های مختلف با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی و یا شرایط صنعتی استان نیاز به متخصصین رشته‌های مختلفی احساس می‌شود. البته توجه به نرخ بیکاری و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در رشته‌های مختلف در استان‌ها گویای بسیاری از مطالب است. شایان ذکر است بحث اشتغال دانش‌آموختگان تنها در حیطه وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیست. به منظور برنامه‌ریزی بهینه در این حوزه نیاز به همکاری برخی از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط است که با مشارکت مؤثر آن‌ها می‌توان برای آینده و رفع مشکلات فعلی تدابیری اندیشید.

۲ تعریف مسئله:

تجارب آمایش سرزمین در جهان گویای این واقعیت است که امروزه بر سر ضرورت توسعه فضایی یکپارچه که معطوف به اراده است همگرایی و اتفاق نظر وجود دارد و لذا نمی‌توان مکان‌یابی فعالیت‌ها را به مکانیسم‌های طبیعی اقتصا وا گذاشت. بنا به گفته کلودیوس پتی، "آمایش سرزمین یعنی آمایش جامعه" در واقع سازماندهی فضا پنداشتی است نه مجرد و نه مسلط؛ برای مثال کافی نیست نقشه ساختمان دبیرستانی را تنظیم کنیم، لازم است برنامه‌ها و روش تدریس را هم دگرگون سازیم. بدین ترتیب می‌توان گفت این رویکرد، کلیتی است واحد که هیچ یک از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی،



کلیدی تر هستند و نیز فرآیند سازماندهی اجتماعی شامل چه مراحل و مراتب و ترتیباتی است. منابع انسانی به عنوان یکی از مزیت‌های اساسی رقابتی و نسبی در تحلیل‌های آمایش سرزمین، شناخته شده است. در تحلیل دلائل عدم کامیابی تلاش‌های ترقی خواهانه بر مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی به عنوان زمینه‌های جدی‌تری از مسائل اقتصادی، با علم به این که خود مقوله سازماندهی اقتصادی هم از مسائل فرهنگی، اجتماعی و هویتی جامعه نشأت می‌گیرد، بخش منابع انسانی، از موضوعات کاملاً موثر است.

در مقوله آمایش سرزمین که عنصر انسان، فضا، فعالیت و تعاملات بین آنها مضمون اصلی آن است، هریک از سه عنصر باید به طور مشخص و تفصیلی مورد بحث قرار گیرد. همانگونه که در بحث اقتصادی دسته‌بندی‌هایی نظیر بخش‌های اول، دوم و سوم وجود دارد. در مورد فضا هم به حسب توسعه‌یافتگی و نوع عملکردها هم بحث می‌شود، لیکن طبقه‌بندی موضوع انسان هنوز مورد بحث جدی قرار نگرفته است. بدین روی پیش‌نیاز ورود به مبحث بخش آموزش در آمایش سرزمین برخورد به مسأله توسعه منابع انسانی و بحث در محورهای ذیل است:

- ساختار فرهنگی هویت جامعه از دیدگاه توسعه و یا به عبارتی ساختار فرهنگی هویت اجتماعی
- تفکر فلسفی و بینش کلی یا جهان بینی انسان و یا به عبارتی ساختار فلسفی جامعه
- مهارت‌های علمی فنی و کارآفرینی یا جهان بین انسان و یا به عبارتی ساختار نظام علمی آموزشی
- ساختار اجتماعی و تشکلهای انسانی و جهان بین انسان و یا به عبارتی ساختار نظام اجتماعی بنابراین به طور کلی باید چگونگی تفکر انسان و نگاهش به جهان، مشخصه‌های رفتاری، توانایی‌های علمی، نظام اجتماعی سیاسی و نظام اجرایی جامعه مورد بحث و مطالعه قرار گیرد. این محورها بحث توسعه منابع انسانی را پوشش خواهد داد و در خود مسائلی نظیر قشربندی اجتماعی زنان، جوانان، فناوری، مدیریت و از همه مهم‌تر آموزش نیروی انسانی را مستتر دارد. مبانی اصلی برنامه‌ریزی سرزمینی پایه توسعه انسانی است. موضوع اصلی باید الگوی جامع‌ای باشد که تمامی تلاش‌ها و کوشش‌ها در جهت رسیدن به آن الگو باشد.

رابطه بخش آموزش و آمایش سرزمین

توجه به بخش آموزش در آمایش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و در واقع بخشی است که شکل‌بندی و سازماندهی جامعه را برای کارسازی آن در عرصه‌های مختلف مورد بحث قرار می‌دهد. توجه آمایش به مقوله آموزش به لحاظ نقش تعیین‌کننده عنصر انسان در آمایش سرزمین اهمیت دو چندان می‌یابد. بهترین گزینش فعالیت‌ها برای بهره‌وری هر چه بهتر از منابع و موفق‌ترین شکل سازماندهی فضا از نظر کاربری‌ها و تعادل‌ها، بدون توجه به نحوه تفکر و رفتار و مهارت انسان‌ها نمی‌تواند موجد تحولی اساسی در تحقق اهداف آمایش باشد. در مجموع نگاه آمایش به آموزش نگاهی است که این مقوله را در ارتباط با توسعه، بهره‌وری منابع و توزیع فضایی جمعیت و فعالیت می‌بیند و آمایش تا وقتی در این مقولات وارد نشود فاقد جامعیت لازم است و در واقع تفاوت آن با بحث‌های صرف فلسفی و آموزشی در این است که جنبه کاربردی آن را در رابطه با مقوله توسعه مورد علاقه و توجه قرار می‌دهد.

نکاتی در خصوص آمایش سرزمین از نظر

سازمان فضایی

۱ هر بخش از جمله آموزش به خودی خود و به‌طور مستقل از یک ساختار فضایی برخوردار است که در آن اجزا سازمان فضایی بخش به نحوی که

پاسخگوی مسایل مختلفی باشند در جغرافیایی سرزمین توزیع شده‌اند. به بیان دیگر هر بخش از یک سازمان فضایی مشخص برخوردار است که در آن اجزا متشکله سازمان فضایی بر اساس ملاحظات مختلفی در فضای سرزمین توزیع شده و از روابط مشخصی با یکدیگر برخوردارند.

۲ توزیع جغرافیایی بخش آموزش براساس ارتباطات مشخص با عملکردهای سایر بخش‌ها است. مثلاً بخش آموزش ارتباط تنگاتنگ با بخش نظام شهری و روستایی و یا جمعیت و حتی بخش‌هایی نظیر آموزش عالی، صنعت، کشاورزی و تربیت بدنی دارد.

۳ آمایش سرزمین مقوله‌ای است که در آن سازمان فضایی بخش‌های مختلف از جمله آموزش در جغرافیای سرزمین به نحوی با یکدیگر ارتباط برقرار خواهند کرد که متضمن پاسخ به نیاز بخش‌ها به یکدیگر است و این شبکه بر اساس وضعیت قابلیت‌ها و امکانات موانع و محدودیت‌های مناطق مختلف کشور می‌باشد.

۴ سازمان فضایی کشور شبکه‌ای است از سازمان‌های فضایی بخش‌های مختلف اقتصادی- اجتماعی که براساس روابط منطقی بخش‌ها که در پشتیبانی از یکدیگر ایجاد شده، رابطه‌ای تنگاتنگ با امکانات و قابلیت‌ها و محدودیت‌ها و موانع توسعه در مناطق مختلف دارد.



ترتیب با ۰/۷ و ۰/۳ درصد کمترین سهم از مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند. در سال مذکور جمعیت کشور معادل ۷۶۹۴۲ هزار نفر بوده که از این تعداد، استان‌های تهران و خراسان رضوی به ترتیب با سهم ۱۶/۲ و ۸/۰ درصد بیشترین، و استان‌های سمنان و ایلام به ترتیب با ۸/۰ و ۷/۰ درصد کمترین سهم از جمعیت کشور را دارا بوده‌اند. همچنین در این سال تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی معادل ۴۶۸۵۳۸۶ نفر بوده است. بررسی این آمار در استان‌ها نشان می‌دهد که استان‌های مازندران و فارس به ترتیب با سهم ۱۸/۴ و ۷/۰ درصد بیشترین، و استان‌های بوشهر، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و البرز به طور مشترک با ۱/۰ درصد کمترین سهم از دانشجویان کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

دانشگاه‌های (وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی، فارس، خوزستان و مازندران به ترتیب ۱۹/۲، ۷/۴، ۶/۶، ۶/۰، ۵/۳ و ۵/۰ درصد از تعداد کل دانشجویان زن کشور را به خود اختصاص داده‌اند، به عبارت دیگر نیمی از دانشجویان زن کل کشور در این دانشگاه‌ها به تحصیل مشغول بوده‌اند، ۱۶/۷۶ درصد دانشجویان مرد کل کشور در دانشگاه‌های تهران به تحصیل مشغول بوده‌اند. به طور کلی بیشتر از نیمی از دانشجویان مرد کشور در دانشگاه‌های تهران، خراسان رضوی، فارس، اصفهان، مازندران و آذربایجان شرقی به تحصیل مشغول بوده‌اند.

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، تعداد دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۵۳۶۳۵۶ دانشجویان بوده‌اند، که در پنج گروه تحصیلی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر به تحصیل مشغول بوده‌اند. در بین گروه‌های فوق غیر از گروه فنی و مهندسی که ۷۰/۶۴ درصد دانشجویان مرد بوده‌اند، در سایر گروه‌های تحصیلی، سهم زنان بیشتر از مردان بوده است. به طوری که سهم زنان در گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی و هنر به ترتیب ۵۹/۰۳، ۶۸/۶۰، ۵۴/۳۷ و ۶۴/۵۹ درصد بوده است. به طوری کلی ۵۱/۹۲ درصد دانشجویان زن بوده‌اند. با توجه به تعداد کل زنان دانشجو (۱۳۱۶۷۸۲ نفر) و تعداد دانشجویان در گروه‌های تحصیلی، سهم زنان در

جمهوری اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است، در این سند، آموزش عالی مبنای رشد و توسعه می‌باشد، تا جایی که یکی از اهداف دستیابی به جایگاه اول منطقه در عرصه علم، فناوری و اقتصاد می‌باشد، بر این اساس می‌توان گفت بهبود برخی شاخص‌های آموزش عالی می‌تواند، جنبه‌های دیگر توسعه را متأثر سازد. با توجه به نقش آموزش عالی در توسعه استان‌ها، برخورداری استان‌ها بصورت متعادل از آن می‌تواند، بستر توسعه را بیش از پیش فراهم آورد.

در ادامه برخی از شاخص‌های آموزش عالی که اطلاعات آنها در دسترس بوده مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و استان‌های کشور را براساس آن شاخص‌ها مورد مقایسه قرار گرفته‌اند.

■ توزیع برخی شاخص‌های آموزش عالی بین استان‌های کشور:

جمعیت و سرزمین موضوع اصلی آمایش سرزمین می‌باشند. به طوری که پارامترهای دیگر را نسبت به آنها اندازه‌گیری می‌کنند. از منظر آموزش عالی تقریباً باید هر کدام از استان‌های کشور نسبت به جمعیتی که از کشور دارند، باید به همان نسبت از شاخص‌های آموزش عالی برخوردار باشند، در این مطالعه از آنجا که برای تمام شاخص‌های مورد مطالعه علاوه بر سهم آنها از کل کشور، سرانه آنها نیز محاسبه گردیده است، بنابراین نسبت جمعیت استان‌های کشور مورد بررسی قرار می‌گیرند، در سال ۱۳۹۲ جمعیت کل کشور ۷۶۹۴۲۰۰ نفر برآورده شده است. بیش از ۱۶ درصد جمعیت در استان تهران و استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان هر کدام به ترتیب با ۸/۰، ۶/۵، ۶/۱ و ۶/۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند، بطور کلی در سال ۱۳۹۲ نیمی از جمعیت کشور در استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، خوزستان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی وجود داشته‌اند. در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ تعداد کل دانشجویان ۴۶۸۵۳۸۶ نفر بوده‌اند. از این تعداد ۲۲۱۴۴۱۸ نفر زن و ۲۴۷۰۹۶۸ نفر مرد بوده‌اند.

■ توزیع نسبی مساحت و جمعیت به تفکیک استان: ۱۳۹۲

در سال ۱۳۹۲ مساحت کشور ایران ۱۶۲۸۷۶۳ کیلومتر مربع بوده است. در همین سال استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان به ترتیب با ۱۱/۲ و ۱۱/۱ درصد بیشترین و استان‌های قم و البرز به

۵ متناسب با سازمان فضایی کشور، الگوی اسکان و نحوه توزیع جغرافیایی جمعیت در سرزمین شکل می‌گیرد و یا به عبارت دیگر سازمان فضایی آموزش کشور با الگوی سکونت روابطی تقابلی دارد. حال برنامه‌ریزی فضایی روابط تنظیم شده این سازمان فضایی آموزش کشور با الگوی اسکان جمعیت است. که در آن مناسبات بین توزیع جغرافیایی جمعیت و آموزش است.

■ آمایش آموزش عالی با رویکرد بررسی شاخص‌های این حوزه

آمایش سرزمین یک برنامه توسعه بلندمدت است که براساس آن می‌توان با توجه به معیارهایی، توزیع شاخص‌های مورد مطالعه را در پهنه سرزمین مورد مطالعه قرار داد. از طرفی می‌توان با انجام درست مطالعات آمایش سرزمین در بخش‌های مختلف، با توجه به پتانسیل استان‌ها جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی را به مطلوب‌ترین روش، در سطح کشور توزیع نمود، بر این اساس تا آنجا که امکان دارد در استان‌های مختلف تراکم زیستی برابر باشد در این راستا طرح آمایش آموزش عالی، و بدنبال آن توسعه علم و فن‌آوری در سراسر کشور با تکیه بر عدالت اجتماعی و توازن منطقه‌ای انجام می‌گیرد.

با توجه به اهمیت آموزش عالی و نقش آن در توسعه کشور، توجه بیش از پیش به آن ضروری به نظر می‌رسد. به طوری که در سند چشم‌انداز

گروه علوم انسانی قابل توجه بوده است (۶۰/۴۳ درصد). به عبارت دیگر سهم چهار گروه تحصیلی دیگر کمتر از ۴۰ درصد بوده است. در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ دانشجویان در دوره‌های تحصیلی کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا حرفه‌ای و دکتری تخصصی به تحصیل مشغول بوده‌اند. به طوری که سهم دانشجویان کارشناسی ۶۲/۳۴ بوده و به طور قابل ملاحظه‌ای از سایر گروه‌های تحصیلی بیشتر است.

با توجه به تعداد دانشجویان در گروه‌های تحصیلی مذکور و در استان‌های کشور و برآورد جمعیت استان‌ها در سال ۱۳۹۲، سرانه دانشجویی (نسبت دانشجوی به جمعیت) در کل کشور ۶/۰۹ درصد بوده است. به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۲ از هر صد نفر جمعیت کشور ۶ نفر دانشجو بوده‌اند. شاخص سرانه دانشجو برای استان‌های کشور متفاوت بوده است به طوری که برخی از متوسط کشور بیشتر و برخی کمتر بوده‌اند.

با توجه به نسبت شاخص دانشجو به جمعیت استان، شاخص مذکور در ۱۲ استان از متوسط کشور بیشتر بوده است، در بین این استان‌ها، استان‌های سمنان، قزوین، یزد، ایلام، مرکزی و مازندران می‌توان نام برد. همچنین شاخص فوق در ۱۹ استان از متوسط کشور پایین‌تر بوده است. مقدار شاخص فوق در استان‌های سیستان و بلوچستان، البرز، آذربایجان غربی و کردستان به طور قابل ملاحظه‌ای از متوسط کشور پایین‌تر است. با توجه به تعداد دانشجویان ورودی و کل دانشجویان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ و تعداد آموزشگران دانشگاهی نسبت ثبت نام شوندگان به آموزشگران در سال تحصیلی مذکور، ۴۰/۱ و برای زنان و مردان به ترتیب برابر ۶۰/۱ و ۳۰/۱۷ بوده است. مقایسه شاخص فوق در مورد مردان و زنان نشان از ثبت نام (ورودی) بیشتر زنان نسبت به مردان می‌باشد.

نسبت دانشجویان به آموزشگران نیز در کل کشور ۱۶/۲۷ و برای زنان و مردان به ترتیب ۲۵/۸۳ و ۱۲/۲۲ بوده که شاخص مربوط به زنان از دو برابر مردان بیشتر است. شاخص‌های نسبت دانشجویان ورودی به آموزشگران و کل دانشجویان به آموزشگران در استان‌هایی از متوسط کشور بالاتر بوده‌اند. نسبت ثبت نام شوندگان به کل آموزشگران در چهارده استان از متوسط کشور بالاتر بوده است.

در بین استان‌های مذکور، استان‌های توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته وجود دارند. در استان‌های توسعه‌یافته به دلیل ورودی بیشتر دانشجو به سیستم آموزشی منجر به افزایش شاخص فوق و در استان‌های کمتر توسعه‌یافته ممکن است تعداد آموزشگران چندان زیاد نباشد، باعث افزایش شاخص مورد نظر می‌گردد. مبحث فوق برای شاخص نسبت کل دانشجویان به آموزشگران نیز صادق می‌باشد.

مراکز آموزش عالی در کشور به صورت واحدهای پیام نور، وزارت علوم، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، جامع علمی کاربردی، دانشگاه آزاد، مؤسسات غیرانتفاعی و سایر ارگان‌ها بوده‌اند.

بر اساس آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، تعداد دانشجویان دانشگاه پیام نور در استان‌های کشور ۹۹۸۷۵۶ دانشجو بوده اند که از این تعداد ۶۶/۲۰ درصد زن و ۳۳/۸۰ درصد مرد بوده اند، توزیع گروه‌های تحصیلی در دانشگاه پیام نور بصورت ۲۹/۷۴ درصد علوم انسانی، ۶۳/۷ علوم پایه، ۱۵/۱۱ فنی و مهندسی، ۴۷/۵ کشاورزی و دامپزشکی و ۴۵/۱ درصد در گروه هنر بوده‌اند.

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی در کشور ۳۰۳۷۳۷ نفر بوده‌اند، از این تعداد ۳۶/۷۷ درصد زن و ۶۳/۲۳ درصد مرد بوده‌اند. در سال تحصیلی فوق در دانشگاه علمی - کاربردی ۴۹/۸۰ درصد در گروه علوم انسانی، ۰/۰۲ درصد در گروه علوم پایه، ۳۵/۶۸ درصد در گروه فنی و مهندسی، ۳/۱۸ درصد در گروه کشاورزی و دامپزشکی و ۱۱/۳۳ درصد نیز در گروه هنر به تحصیل مشغول بوده‌اند.

از شاخص‌های کلیدی در آموزش عالی، برخورداری دانشگاه‌ها از اعضای هیأت علمی تمام وقت می‌باشد. اعضای هیأت علمی به صورت استاد، دانشیار، استادیار، مربی و سایر می‌باشند.

در سال ۱۳۹۲، ۴۷/۱ درصد اعضای هیأت علمی با درجه استادی در دانشگاه‌های تهران در حال تدریس بوده‌اند، به عبارت دیگر حدود نیمی از اساتید در دانشگاه‌های تهران فعالیت داشته اند، از طرفی دانشگاه‌های ۱۶ استان دارای کمتر از یک درصد اعضای هیأت علمی با درجه استادی در کشور بوده‌اند، بررسی در این مورد عدم توازن در توزیع استاد بین دانشگاه‌های کشور را بخوبی

نشان می‌دهد، این عدم تعادل باعث می‌شود که دانشجویان استان‌های کشور تمایل زیادی برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های تهران داشته باشند. این موضوع مشکلات مختلفی برای دانشجویان و متولیان دانشگاه‌ها خواهد داشت.

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، ۴۰/۷ درصد از اعضای هیأت علمی با درجه دانشیار، در دانشگاه‌های تهران فعالیت داشته‌اند، بیش از ۷۵ درصد دانشیاران کشور در دانشگاه‌های استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، فارس، مازندران، البرز و خوزستان مشغول بوده‌اند (۸ استان) این میزان در دانشگاه‌های ۱۰ استان کشور کمتر از یک درصد بوده است.

در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بیش از نیمی از اعضای هیأت علمی دارای درجه استادیار در پنج استان تهران، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و مازندران فعالیت داشته‌اند، سهم دانشگاه‌های تهران ۲۹/۳ درصد بوده است، با توجه به میزان فوق سهم دانشگاه‌های ۲۶ استان کشور کمتر از ۵۰ درصد بوده است. در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، جمعیت دانشجویی در سطح کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های کشور ۵۸۰۰۰۰ نفر بوده‌اند. بیشتر از نیمی از این دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، فارس و مازندران به تحصیل مشغول بوده‌اند، توزیع نامتعادل امکانات آموزشی در دانشگاه‌های کشور، باعث شده است که دانشجویان سطح بالای تحصیلی تمایل بیشتری به ادامه تحصیل در دانشگاه‌های فوق داشته باشند. نسبت دانشجویان کارشناسی ارشد در استان‌های ایلام، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال بختیاری، اردبیل و خراسان جنوبی بسیار ناچیز است. دانشجویان تحصیلات تکمیلی به صورت دکتری حرفه‌ای یا تخصصی به تحصیل ادامه می‌دهند، در بخش دکتری حرفه‌ای، ۲۰/۷۹ درصد از این دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، در حال تحصیل بوده‌اند. از طرفی بیشتر از نیمی از این دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی، فارس و خراسان رضوی در حال تحصیل بوده‌اند. دانشجویان تحصیلات تکمیلی بخش دکتری تخصصی عمدتاً در دانشگاه‌های تهران در حال تحصیل بوده‌اند، به طوری که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، ۴۳/۸ درصد از کل

استان	مساحت		جمعیت		دانشجویان	
	مساحت ^(۱) (هکتار)	توزیع نسبی (درصد)	تعداد (هزار نفر)	توزیع نسبی (درصد)	تعداد	توزیع نسبی دانشجویان (درصد)
کل کشور	۱۶۲۸۷۶۳	۱۰۰	۷۶۹۴۲	۱۰۰	۳۶۸۵۳۸۶	۱۰۰
آذربایجان شرقی	۴۵۶۵۰	۲۸	۳۷۸۰	۴۹	۲۱۹۶۹۹	۴۷
آذربایجان غربی	۳۷۴۱۱	۲۳	۳۱۶۰	۴۱	۱۳۹۷۲۹	۳
اردبیل	۱۷۷۹۹	۱۰	۱۲۶۷	۱۶	۶۵۰۷۰	۱۴
اصفهان	۱۰۷۰۱۹	۶۶	۳۹۶۵	۵۱	۳۲۵۷۱۱	۷
البرز	۵۱۲۴	۰۳	۲۵۰۲	۳۳	۱۰۸۴۶۴	۲۳
ایلام	۲۰۱۳۲	۱۲	۵۶۹	۰۷	۴۵۳۶۶	۱
بوشهر	۲۲۷۴۲	۱۴	۱۰۷۷	۱۴	۷۸۲۳۲	۱۷
تهران	۱۳۶۸۹	۰۸	۱۲۴۳۳	۱۶	۸۶۴۱۲۸	۱۸
چهارمحال و بختیاری	۱۶۳۳۷	۱	۹۱۴	۱۲	۵۰۸۱۸	۱۱
خراسان جنوبی	۱۵۰۷۹۷	۹۳	۷۵۰	۱	۴۷۵۶۱	۱
خراسان رضوی	۱۱۸۸۵۱	۷۳	۶۱۷۱	۸	۲۹۹۶۸	۶۴
خراسان شمالی	۲۸۴۳۴	۱۷	۸۸۸	۱۲	۴۴۷۸۱	۱
خوزستان	۶۴۰۵۴	۳۹	۴۶۵۹	۶۱	۲۶۲۳۱۶	۵۶
زنجان	۲۱۷۷۳	۱۳	۱۰۳۷	۱۳	۷۵۲۷۴	۱۶
سمنان	۹۷۴۹۰	۶	۶۵۱	۰۸	۱۰۹۲۳۷	۲۳
سیستان و بلوچستان	۱۸۱۷۸۵	۱۱	۲۶۵۹	۳۵	۹۷۹۵۲	۲۱
فارس	۱۲۲۶۰۸	۷۵	۴۶۸۸	۶۱	۲۷۰۹۹۹	۵۸
قزوین	۱۵۵۶۷	۱	۱۲۲۶	۱۶	۱۳۳۹۴۴	۲۹
قم	۱۱۵۲۶	۰۷	۱۱۹۳	۱۶	۶۶۲۱۲	۱۴
کردستان	۲۹۱۳۷	۱۸	۱۵۱۴	۲	۶۸۱۶۲	۱۵
کerman	۱۸۰۷۲۶	۱۱	۳۰۲۶	۳۹	۱۷۳۳۸۶	۳۷
کرمانشاه	۲۵۰۰۸	۱۵	۱۹۶۲	۲۵	۱۰۲۰۰۹	۲۳
کهگیلویه و بویر احمد	۱۵۵۰۴	۱	۶۸۱	۰۹	۴۸۲۰۷	۱
گلستان	۲۰۳۶۷	۱۳	۱۸۳۹	۲۴	۹۰۷۶۸	۱۹
گیلان	۱۴۰۴۲	۰۹	۲۵۱۱	۳۳	۱۳۵۷۱۳	۳۱
لرستان	۲۸۲۹۴	۱۷	۱۷۸۵	۲۳	۱۰۵۰۳۰	۲۳
مازندران	۲۳۸۴۲	۱۵	۳۱۲۷	۴۱	۲۳۱۲۴۴	۵۱
مرکزی	۲۹۱۳۷	۱۸	۱۴۴۲	۱۹	۱۱۲۳۶۹	۳۴
هرمزگان	۷۰۶۹۷	۴۳	۱۶۴۲	۲۱	۹۲۱۹۶	۲
همدان	۱۹۳۶۸	۱۲	۱۷۷۷	۲۳	۱۰۶۳۶۲	۲۳
یزد	۷۳۸۷۳	۴۵	۱۰۴۶	۱۴	۹۴۶۷۹	۲

(۱) منظور، مساحت خاکی است.

ماخذ - وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.

این دانشجویان در حال تحصیل در دانشگاه‌های تهران بوده‌اند، مقایسه این میزان با سایر استان‌ها، حاکی از عدم تعادل شدید در این بخش می‌باشد، گرچه سیاست آموزش عالی در سال‌های اخیر بر این بوده است که دانشگاه‌های تهران، بیشتر به تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی بپردازند. بیشتر از نیمی از دانشجویان دوره فوق در دانشگاه‌های تهران و اصفهان به تحصیل مشغول بوده‌اند. گروه‌های عمده تحصیلی که دانشجویان در آن گروه‌ها به تحصیل می‌پردازند، به صورت گروه علوم انسانی، علوم پایه، علوم پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر می‌باشند. توزیع در صد دانشجویان در موسسات آموزش عالی کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بر حسب گروه‌های مختلف تحصیلی بیانگر آن است که ۲۰۹۰۶۳۰ نفر (۴۴/۶۲ درصد) در گروه علوم انسانی، ۲۸۳۲۶ نفر (۶/۰۵ درصد) در گروه علوم پایه، ۲۴۰۶۱۲ نفر (۵/۱۴ درصد) در گروه علوم پزشکی، ۱۴۹۷۰۸۶ نفر (۳۱/۹۵ درصد) در گروه فنی و مهندسی، ۲۳۹۲۱۴ نفر (۵/۱۱ درصد) در گروه کشاورزی و دامپزشکی و ۳۳۴۵۸۱ نفر (۷/۱۴ درصد) در گروه هنر مشغول به تحصیل هستند. لازم به ذکر است تهران، فردوسی مشهد، تبریز و شیراز به ترتیب با ۲۳۷۵۷۰، ۴۵۲۲۴ و ۲۱۰۱۰ و ۱۹۶۷۹ نفر بیشترین تعداد دانشجو را پس از دانشگاه‌های پیام نور، جامع علمی کاربردی و دانشگاه فنی و حرفه‌ای دارا می‌باشند.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی شاخص‌های مختلف در دانشگاه‌های استان‌های کشور، عدم تعادل‌هایی در توزیع شاخص‌ها مشاهده می‌شود، به خصوص برخی استان‌ها مثل تهران، سمنان و اصفهان، نسبت به سایر استان‌ها از امکانات آموزشی بیشتری برخوردار می‌باشند. برای نشان دادن این عدم تعادل‌ها می‌توان از شاخص‌هایی مثل ضریب مکانی، ویلیامسون و ... استفاده کردند.

پیشنهادهای: (تحلیل‌های مورد نیاز وضعیت موجود و جهت‌گیری‌های اولیه در آمایش بخش آموزش)

این فعالیت شامل دو جریان زیر است

- تحلیل‌های کمی در مورد مقوله آموزش شامل بررسی‌های متعارف در برنامه‌های اجتماعی - آموزشی نظیر چشم‌انداز آموزش، نیروی انسانی،

۳ بازنگری در نظام تصمیم‌گیری و مدیریت آموزش.

گرچه در مرحله اول ممکن است این فعالیت‌ها ارتباط مستقیم با آمایش سرزمین نداشته باشند لیکن به لحاظ اهمیت مقوله منابع انسانی و آموزش در توسعه و خصوصاً انتخاب منابع انسانی به عنوان یکی از مزیت‌های نسبی و قابلیت‌های رقابتی کشور در نظر ریه پایه توسعه ملی، این مباحث باید به عنوان پیش‌نیاز و پیش شرط آمایش سرزمین تلقی شود. نقص بحث آمایش در قالب صرف مقوله سازماندهی فضا در صورت عدم توجه به انسان (یعنی بازیگر اصلی و تعیین کننده) تعاملات سه عنصر فضا، فعالیت و انسان را با خلل مواجه می‌سازد.

* مدیرکل دفتر محاسبه شاخص برنامه‌ها و

سیاست‌های کلان مرکز آمار ایران

* رئیس گروه آمایش سرزمین و شاخص‌های

توسعه اهداف هزاره

* رئیس گروه شاخص‌های نظام اداری کشور و

تنظیم سالنامه

سطح اشتغال و مهارت و کارآیی نیروی انسانی

* تحلیل‌های کیفی که عمدتاً موضوعات مرتبط با برنامه‌ریزی اجتماعی و آموزشی است.

با توجه به مفصل بودن بحث ضرورت تهیه برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی، مقدم بر برنامه‌ریزی متعارف اقتصادی در اینجا تنها به آن گروه از جریان‌های اصلی فعالیت‌های برنامه‌ریزی اشاره می‌شود که پوشش‌دهنده مقوله توسعه آموزش و یا به طور کلی منابع انسانی می‌باشند که این جریان‌ها عبارتند از:

۱ بررسی نظام اجتماعی و نحوه مشارکت مردم در فرایند توسعه آموزش با تاکید بر نقش شکل‌های تخصصی و نهادهای مدنی

۲ بازنگری در نظام آموزش در سطوح مختلف

برای تأمین مهارت و کارآیی نیروی انسانی بر اساس مشی توسعه انتخابی در چشم‌انداز کشور و تاکید بر نظام علمی و تحقیقاتی و تعیین اولویت‌های آن.